

در زمین بی آنده

* رفته‌جانی با حدف ۱۲ تن از وزرا
ساقی از فهرست کابینه پیشنهادی خود و کنار
گذاردن میرحسین موسوی، نشان داد که عمر
سازش در چنان حمله حتی کوتاه‌تر از آنچه
تصویر می‌رفت، بود.

* از نظر "میان روهای هزار ملتمندی از"
مقام چاوشیلی خوبی ضروری بود. زیرا این‌الی
ماندن منتظری دو آن مقام خطر چندی برای
گروه رفته‌جانی سخانه‌ای به شمار می‌آمد،

در صفحات ۳ و ۴ و ۵ و ۶

* گروه رفته‌جانی - خانمه‌ای که رهبری
حاکمیت را در مبارزه با "اندروها" به دست
گرفته‌اند، به خوبی می‌دانند که سرمایه
انحصاری خارجی در صورت موافقت و اشتکان
می‌تواند حاضر به همکاری گستردگی با سران
چندی درین پاشد.

* هنوز در زمان حیات خمینی، ضعف
جسمی و روحی وی، زمینه از هم گشختن
اصل ولایت فلیق را فراهم آورد بود.

از کان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۷۴ دوره هشتم، سال ششم
سه شبکه ۷ شهریور ۱۳۶۸

ذیر خط فقر

کارمندان کشورمان، به عنوان بخش مهمی از
صاحبان درآمد های ثابت، دچار مشکلات بزرگی
ستند. پھر ان اقتصادی و به تبع آن تورم، تکانی و
کمهد کمال ای ضرور عرصه رُندگی را بیش از پیش
بر این قشر کثیر العده تنکنند می‌سازد. بر این
مشکلات پاید چو خفقان و فشار موجود در ادارات،
تصفیه‌ها و پیاسازی‌ها و نیز خودسری مسئولان
پهای دستگاه‌های دولتی را افزود. هر چاکه سخن برس

به بود وضع زندگی کارمندان است، به وعده و عوید
پیزی عاید آنان نمی‌گردد، اما در مقابل آنجاکه
سخن از اعمال معبدیت‌های گوناگون می‌رود،
کمال "شدت و قاطعیت" به خرج داده می‌شود و هر
سال گروهی دیگر از کارمندان به پهانه‌های وامی
تصفیه، اخراج و بازخرید می‌شوند.

محمد بیزدی، مرتجع مشهور، که اخیراً از
سوی "رهبر معظم" به ریاست قوه قضائیه منصوب
شد است، در خطبه‌های نماز جمعه با اشاره به
دستگاه دولتی از چمله گفت، "... محروم ترین
افراد جامعه، که در دورترین نقاط کشور زندگی
می‌کنند، در حقوقی که مسئولان و کارکنان دستگاه
دولتی دریافت می‌کنند، سهیم اند. پنامبر این
مسئولان و کارکنان دستگاه‌ها پاید با حضور بموقع در
سر کار و رسیدگی دقیق و دلوزانه به کار مراجعن،
وظایف محله را انجام دهند". (صدای ج ۱-۱-۲۷-۶۸)

پاتوجه به سوابق "درخشنانی" که محمد بیزدی
در مخالفت با حقوق و منافع زحمکشان، در دوران
کار در مجلس و شورای نمایهان از خود به های
گذارده، روش است که نظر اندی وی هدر رفتن بول
محرومین "گوش و کنار کشور نیست. بلکه وی نیز
پیش دیگر همکنان شود در جمهوری اسلامی، می‌کوشد
مشکلات و نارسایی‌های عظیم دستگاه اداری و قضایی
کشور را، که عمدتاً ناشی از سیستم ضد خلقی حاکم بر
آنها و سو مدیریت مدیران نادان "مکتبی" است،
به دوش کارمندان چهز پیاند ازد و بدین سان زمینه

نژاده ای برای اعمال فشار بر آنها فرایم
هماتونه که در اویین روزهای سال ۶۸ اعلام
شد، امسال نیز دستگاه‌ها، موسسات و شرکت‌های
واهسته به دولت، از هرگونه افزایش حقوق و
باقیه در ص ۲

قوه قضائیه به کدام سو می‌رود؟

در هفته گذشته حوادث غیرمنتظره‌ای، در می‌کشد و یکی از حساس‌ترین مقامها را به وی
دستگاه قضائیه چهارمین رئیس اسلامی رخ داد. موسوی وامی گذارد.
اردبیلی، کسی که سالهای طولانی نقش کلیدی را در نهایت فراموش کرد که پس از هم‌بیری اخیر،
نفوه قضائیه ایقا می‌کرد، ناگهان چای خود را به در قانون اساسی چهارمین رئیس اسلامی تقریباً همه
محمد بیزدی، یکی از اعضای شورای تئیهان سپرد. کارهای "شورای" مهدل به انفرادی شده و رئیس
چند روز بعد، از پیانیه "شترکی" که اردبیلی و قوه قضائیه دارای اختیارات مطلقه برای
خوبینی‌ها برای تدویره منتشر کردند معلوم شد که بازی کردن با سرنوشت دستگاه قضائی کشور و قضات
دادستان کل کشور نیز شامل تصفیه شده است. این است.
دو، در پایان پیانیه "خود نوشته بودند، در اینجا سخن بر سر داوری درباره اعمال
لازم است ... از مردم بزرگوارمان صمیمانه گذشته" اردبیلی، خوبینی‌ها و محمد بیزدی، پیمانه
سپاهنگاری نمائیم و به پاس بجهت‌های پیداریه کسانی که نقش‌های بروزگی در هرم حاکمیت
آنان تا پایان عمر در هر سنتر که خدا بخواهد داشته‌اند نیست، پیرا که گردانندگان اصلی
خدمتگزار اسلام و آنان پاکیم". پس اردبیلی و چهارمین رئیس اسلامی، چه کسانی که پس از مرگ خوبینی
خوبینی‌ها کار خود را داد اول طلاقه ترک نکرده و هنوز ارتقا یافته‌اند و به "رهبر" و "رئیس جمهور" تهدیل
آن توان را در خود می‌دیده‌اند که همچنان شده‌اند و چه آنکه موافقة کلیدی را از دست
"درستک" و "خدمتگزار" پاشند. اما "رهبر" بمعنی داده‌اند و می‌دهند، همه و همه در چنایات و
بت‌چنداری که خودشان در تراشیدنش شرکت و پیرانگه‌های اقتصادی و اجتماعی رژیم خمینی در
داشته‌اند، چنین مصلحت دیده است که ایشان از سالهای گذشته و از جمله در ادامه "چنین ایران و
سازگر بپرون بیند ازد و احتمالاً با اگذاری، مقامهای عراق یا پیامدهای زیانهارش شرکند، و دیر بی‌ازود
بی‌همیت به "پشت چهه" بفرستند.
پاید پاسخگوی اعمال خود در پراهر دادگاه‌خانه خلق ارتقاً محمد بیزدی به مقام رئیس قوه قضائیه پاشند. پیکان قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان
نیز نیز تواند موجب تعجب شود. اول در انتخابات سال گذشته که موافق نامه‌های آیت الله منتظری به
دوره سوم مجلس نتوانست از صندوق‌های رای سر دستور مستقیم شخص خوبینی انجام گرفته،
در پیاورد، الته‌تله به این علت که رای دهنده‌اند کل کشور تحقیق پدیده شده باشد. اما
او را نمی‌شناخند، بلکه بر عکس، بدین چهت که او قضائیه و دادستان کل کشور تحقیق پدیده شده باشد. اما
نتایج رای گیری‌ها که مدعی انتخابات به معنای واقعی در این چنایات هولناک داشته‌اند.
گرچه در چهارمین رئیس اسلامی انتخابات به علی لاذل خود رژیم پاید به
نتایج رای گیری‌ها که گهانه این اجراء می‌دهد احترام کنار رفتن اردبیلی و خوبینی‌ها را باید در چای
پنداش. اما در مورد محمد بیزدی همه دیدند که دیگر چشیده شود. رهبران متزل کنونی نیاز به
بعض شکست مفتح‌زاده در انتخابات، خوبینی اورا افراد و دستگاه‌های مطیعه و مجری می‌جون و پس از
به "شورای تئیهان" فرستاد تا مصوبات مجلس را اوامر خودشان دارند. حتی علت اینکه خوبینی در
"تو" کند و اینکه خانمه‌ای باز هم او را پالاتر

باقیه در ص ۲

مارا پر افتخار شهیدان نودهای را ادامه خواهیم داد!

قوه قضائيه

پیاپان عمر به این نتیجه رسید که رهبری شورائی صلاح رژیم "ولایت فقیه" نیست میعنی بود که می‌دید در هر چهار که چند تن را مشترکا به کاری پیر می‌گمارد سرانجام در مقابل خود او نیز می‌ایستند. هنابر این علت عده "برکنار کردن اردبیلی را باید در گر ایش عمومی رژیم به سوی کار فردی و هرچه متمن کردن قدرت و هرچه واپسentr تر کردن فوای مختلف، از جمله قوه قضائیه به "رهبر انقلاب" ایش، جمهود مقدون" دید.

علوه هر این، موسوی اردبیلی و موسوی خویینی‌ها مانند منظری از چمله کسان نادری در هرم حاکمیت پودند که شروع به سو استفاده "مالی و انسانشناختن ثروت‌های پادآورده در داخل و بانتهاي خارج نکرده بودند و در اینجا و آنجا به اشکال گوناگون از لزوم حیات از محروم و محن می‌گفتند. در حالیکه محمد بزری از هنر حضورش در مجالس اول و دوم، به دفاع آشکار از منافع کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان شهرت داشت و دیدگاه‌هایش به گروه آذربای قمی و پادشاه روزنامه رسالت "پسیار نزدیک است.

حال تصور این واقعیت که خصلت ارتجاعی
دستگاه قضائی تکور، زیر سلطهٔ غیرشورایی محمد
بیزدی هرچه پیشتر تشبد گردد و باز هم پیشتر به
افزار دفاع از منافع تشریفاتی شارنگر چامعه تدبیل
شد چندان مشکل نیست. وقتی در زمان شورایی
بهودن و ریاست اردبیلی که دم از رعایت حقوق
مستضع凡 "ومهارزهٔ با" "مستکهران" می‌زد، دستگاه
قضائی "اسلامی" اساساً و عملکاری چز اعدام و
سرینیست کردن نیروهای مترقبی و میهن دوست،
هایمال کردن حقوق انسانی زنان ایرانی،
بازگرداندن کارخانه‌ها و املالک به صاحبان فاری
آنها، تخلیه مدارس استیجباری و بیرون ریختن جل و
پلاس نوازون و داشتن آموزان و به دارآ و ریختن
مشتی آفتابه دزد و قاچاقچی خردهٔ پادشاهیت در زمان
بیزدی و استهنه به گروههای شارنگر المته معلوم است

مردم ایران در انقلاب بهمن پا سرستون کردند
رژیم استبدادی، صحه هر کار شور اینی و جمعی برای
چنگیکردن از شکل گیری هرگونه عمل فردی گلداردند.
اینک چمهوری اسلامی به او بین بودن شورها و
تسایل هر چه پیشتر به تمرکز امور در دست افراد معین
که مطیع محض "ولی فقیه" باشدند می پردازد و کار
شورائی و چمی را به بایکانی می سپارد. اما یا پیدا
پرسید آبادار دنبای امروزین هر خلاف چه ریان رود
خر و شان تاریخ شناکردن چوبی خردی از چیز دیگری
حکایت می کند؟

پاکی روی دست ممه ریخت و اعلام کرد که با تشکیل دولت چدید مردم نهایید در انتظار بهود سریع وضع زندگی خود باشند. از این روست که به نظر می‌رسد «سخن روز» اطلاعات را می‌پایید با اندکی تغییر پدین گونه تکرار کرد که، کارمندان و صاحبان درآمدهای ثابت و اندک در زیر خط لقر قرار دارند و با آمدن و رفتن این و آن رشیں جمهور و وزیر نیز تغییری در وضع زندگی شان ایجاد نخواهد شد. البته این واقعیت است که نمی‌توان از سران و دستکاههای تهییقاتی رژیم انتظار بیان آن را داشت.

شام خودسری هاو تضییع حقوق کارکنان بهدل شده است. در رژیم "ولایت فقیه" مدیران "مکتبه" که عموماً نه بر اساس توافقی های اچراشی، بلکه صرفاً به دلیل و استنگی به مقامات طراز بالای رژیم به این مستہن ها گمارده می شوند، به محض استقرار در محیط کار خود، گروهی از کارمندان را به دلیل واهی و یا بیهانچه چوشی از کار بر کنار می کنند، تا افراد و استنهای خود را به چهای آنان پکارند. پیخصوصن مسئله چاهچایی سریع مدیران و مسئولان، که غالباً از درگیری های درون حاکمیت سرچشمه می گیرد، وضع را در این باره به مر انتبه مشکلترا می کند. به نظر می رسد دیگر نیازی به ذکر عملکرد اختناق افرادین انجمن های "اسلامی" و عناصر تازه به منصب رسیده "حزب الله" وجود نداشته باشد. تازه این همه کار نیست. علاوه بر این ها "هیات های رسیدگی به تخلفات اداری" نیز با حدت و شدت مشغول کارند.

در خود اد ماه سال چاری، «گردهمایی سراسری اعضاء هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری وزارت خانه‌ها و سازمان‌های دولتی» آغاز به کار کرد. رضوی، دبیر کل سازمان امور اداری و استخدامی کشور، طی سخنرانی در این گردهمایی با «افتخار» اعلام کرد که طی سال‌های ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ هیئت پهلوی و دو ماهه اول سال ۶۹ همچنان ۳۶ هیئت پهلوی و تجدیدنظر با ۱۷۵. عضو در سطح کشور تشکیل شده و در خلال این مدت چهارده حدود ۱۷۲ هزار پرونده تخلف رسیدگی و آراء لازم صادر شده است. (کیهان، ۲۸/۴۸).

درازی و مهندسی

اطلاعات (فرد پیشنهادی از سوی رسمیت‌گذاری هر ای اخراج سمت وزارت اطلاعات) نیز به میثت‌های مذکور "توصیه" هاشی کرد و در واقع شان داد که "وطیفه" این میثت‌ها ث رسیدگی به "تلخفات اداری" و "سهل انتکاری" و "کم کاری"، بلکه شناسائی و حذف هر کسی است که باید طبع ارگان‌های سروکوبنگ چهارم، اسلامی نباشد. وی با تاکید بر ضرورت "شناسابی و تعقیب افراد نفوذی شرق و غرب در ادارات که سعی دارند، باروش‌های مختلف، مردم را نسبت به حکومت و نظام بهبیش کنند" و عده داد که "وزارت اطلاعات به دنبال آن است که با رفع پاره‌ای از مسائل، بروزهای راه به مورد اهرا گذارد، تا اطلاعات لازم در زمینه تهییقات سوصد اتفاق‌بیرون و افراد نفوذی در ادارت به مولع و در اسرع وقت در اختیار دستگاه‌های اجرائی قرار گیرد" (رسالت ۲۹/۶۸). به دیگر سخن، وی آشکارا میثت‌های مذکور را موظف کرد تا شه تنها کارمندان دگراندیش یا مظنون به دشگراندیشی، بلکه حقی. دیگر کارمندان را نیز که در محیط کار خود از وضع بد زندگی شکایت می‌کنند، "پاهمکاری وزارت اطلاعات" از کاربرکنار کنند. هدف وزارت اطلاعات نیز از چنین انداماتی روشن است و آن چیزی جزو ایجاد حققان پیشتر و چو عدم اعتماد اسلامی کار می‌کند. نیز

چند ماه پیش از این، روزنامه «اطلاعات» درستون «سخن روز خود نوشت، «کارمندان و بطور کلی صاحب‌های درآمدهای اندک و ثابت، نه در خط فقر، بلکه می‌توان گفت در زیر خط فقر فرارداند و این واقعیت است وهاگفتن و تحقیق هم هیچ تغییری نمی‌کند» (اطلاعات ۵/۲۰۱۴). چند روز پیش هم هاشمی رفسنجانی طی سخنرانی خود در مجلس آب

مزایای کارکنان خود میتوشدند. این بار هم طبق معمول بهانه آن بود که در صورت افزایش حقوق کارکنان دولت، به شرخ تورم افزوده خواهد شد. لیکن واقعیت - ماتحتونه که روزنامه "اطلاعات" پیشتر یادآوری کرده بود - عبارت از آن بود که دولت اساساً بودجه‌ای برای تامین اضافه حقوق کارکنان دستنهادها و موسسات وابسته به دولت در اختیار نداشت. ظاهرا برای رفع این تقاضه و مکمل به رفاه حوال کارکنان دولت، در ۲۴ اردیبهشت تمهیلات رفاهی برای کارکنان دولت، که پیشتر در فوریه‌ماه به تقویب مجلس رئیس رسیده بود، از سوی هیئت دولت به دستگاه‌های اجر ای ابلاغ

در این آئین نامه بمندی‌ها، تشهیلاتی چون پرداخت وام، وام مسکن و تحویل پرخی از کالاهای غضور پیش بینی شده بود. در حال حاضر قریب ۴ ماه از ابلاغ این آئین نامه می‌گذارد، ولی همانطور که روزنامه‌های مجاز و حتی پرخی از دست اندکاران رزیم اعتراف کرده اند، هنوز تمهیلاتی به کارکنان دولت ارائه نشده است، چنانکه ستاد پیشیج اقتصادی کشور، طی اطلاعیه‌ای با آپ و تاب اعلام کرد که به "کارکنان محترم لشکری و کشوری و پیارنشستگان دولت" یک حلب رونغن نهادی مجانی داده خواهد شد. (به این می‌گویند تامین رفاه به شیوه "اسلامی") اگر به آنچه گفته شد وضع پیغایت تاپیمان توزیع کالاهای سهمیه‌بندی شده و افزایش سرمایه ای این بجهات کالاهای خوارکی و مصرفی را هم پیغایت می‌نماید، آنگاه می‌توان منظره‌ای از وضعیت رفتار زندگی اکثریت کارمندان کشور به دست

به موارد مذکور، باید مشکل سیستم ناعادلانه^{*} مالیاتی را نبین افزود. در آخرین ماه های سال گذشته اعلام شده بود که از اول امسال بهترین معافیت های مالیاتی درباره حقوق پرداخت بران به مرحله اجرا در شروع اهد آمد. ظاهر این معافیت ها از اول سال چهاری به مرحله اجراء گذارد شد. ولی "معافیت ها" نباید سروشوتشی بهتر از "تسهیلات" پیش گفته نباشند است. یکی از کارکنان دولت در نامه ای به "کیهان" نوشت، "معافیت های حقوق پرداخت بران که از آغاز سال چهاری در مرورد کارکنان پخش دولتی بیاده شده است، نشانتر آن است که در مالیات دادن هم چون گذشته باید پر اصل تعییض صحه گذاشت!" (کیهان ۱۴۸/۲۵). وی در این نامه بدروستی خاطرنشان می کند که هر زمان که صجهت از معافیت های مالیاتی حقوق پرداخت بران می شود، بلا فاصله انواع "تهصره" ها و "ماده" ها به کار می آیند تا هم چنان اصل تعییض در پرد اخت مالیات های مستقیم باقی بماند. این نبیز طبیعی است. زیرا هدف گرداندن گران رژیم از اعلام چنین تصمیماتی صرفه هر برداری تهییغی برای فریب توده ها و دفعه الوقت است. آنان عملاً می از تصویری فناوری اذ این قبیل، با افزودن انواع تهصره ها و پنهانه های محدود کننده، این فناوری را در عمل به شیر بھی دم ویال و اشکلمی تهدیل می کنند و در نهایت باز این کارکنان دولت اند که بی نصیب می مانند.

درست در نقطه مقابله این، رژیم در ایران اد
انواع فشارهای مادی و معنوی به کارکنان دولت
حدی نمی شناسد. دستگاهها و ادارات دولتی طی
سال های حاکمیت چهارمی اسلامی واقعه های به بازار

در زیم بی آینده

دروازه‌های، کشور به روی سرمایه‌های انحصارهای خارجی از سوی و سفت کردن کمرندها و نکیه به خود، از سوی دیگر، "تندروها" از شعار و مورد حمایت خوبی دفاع می‌کردند. خود خوبی هم در ماههای آخر جیاتش پاره‌بگیر طبق تزیی معرفت برازیلی مردم ب برای شکم، ب برای "ایمیا" اسلام نام محمدی انتقال کرده اند، از "تندروها" پشتیبانی کرد. اشتباه پرگ این چنان مانند همیشه تاسی از امام امت و دنهاله روی بی جور و چهر ازو، بود. آنها به کشتاره زاران زندانی سیاسی صمه کناردن، ب برای آنکه خوبی فرمانش را صادر کرده بود. پس از خوبی نیز این آقایان با اینکه شاهد انتقام کشی شرکت کنندگان در ساحر ای "ایران - گیت" از افشاگر این خود بودند، اندکی در این هماره که روزه، خود گرفتار پنهان شونین "یاران خوبی" خوانند شد، نیاندیشیدند. آنها با اعمال و باره‌ای مواد اجتماعی خود از توده‌های رحمتش که سنتش را به سینه می‌زدند، فاصله گرفتند.

درست است که "میانه روها" و "رسالتی‌ها" یعنی آنان نیز تسلیم اراده، خوبی بودند. اما آنها می‌کوشیدند تا این تسلیم را به خلاف میل خود و امروز، "اجهاری" چنانه کسر سازند. "میانه روها" که ب برنامه قوه‌های تکنون خود بودند، غایر اینکه تهیه دیده بودند، غایر اینکه این عطاف پذیری در مقایسه با "تندروها" پیش ساختند.

هر دو چنانچه عمدۀ موجودیت خود را مدیون خوبی بودند و "امام امت" هم بازدن گاهه میله و گاهه به نعل می‌توشد تا هر دور از زیر پرچم شود تهداده، اما خوبی چندبار ضربت سخت بر "تندروها" وارد آورد. فرمان "انوت" صادره از پهانی خوبی نیزین ضربه کاره، ب پیکر

مثل اینکه از مجموعه "آنچه گفتیم هر خواشند" ای به ماهیت "مرحله" چدید انتقال" که مورد پشتیبانی رادیو اس ایل، مفسرین و ناظرین غربی، "دی ولت" و دیگر رسانه‌های گر و هی غرب است، بی خواهد بود. حدف نام عده "زیادی از اینستگان به چنان تندرو" و از چمله اعضا "روجانیون مهارز تهران" مانند محترم و خوبی‌ها از هفت و زیار و دادستانی کل کشور پاره‌بگیر صحبت از زیادی‌های ما را از وضع کشور به اثبات می‌رسانند.

(۱) در زمان حیات خوبی، وضع فلاکتها اجتماعی - اقتصادی و فشار عقیم توده‌های میلیونی که نمی‌شد آن را نادیده گرفت ویا به حساب دشمنان داخلی و خارجی "گلاره، "میانه روها" را هر آن داشت تا مسئله "پارسازی خرابی‌های جنگ را پیش کنند. پیش این بود: در کشوری که دچار همراهان عیق است و خزانه اش خالی است، هزینه چند صد میلیارد دلاری، پارسازی و تامین حداقل رشد صنعتی و کشاورزی مناسب پارش سالانه ۲/۹ درصد بهمیعت را از چه منابعی و چگونه می‌توان تهیه دید؟

در پرخورد به این مفصل، دو نظر از چنان دوچنانچه رویارویی هم قرار گرفت. چنان "میانه روها" که از حمایت رسالتی‌ها، یعنی سخت‌وپیان صاحبان ثروت پیش از همه‌مند است، اخذ وام از انحصارهای فرامی‌لیستی امیری‌لیستی را پیش‌تیشد. سیل مقاطعه کاران غربی به ایران سازیر شد. الیته هدف "غربی" هایهیچ وجه اتفاق در اراده ای ای از تامین رشد اقتصادی ایران نهود. آنها به اینکه می‌آورد که امنیت پاشد. این اصل قهل از ممه شامل سرمایه‌های انحصاری، خارجی است. امنیت اقتصادی، آزادی عمل در صدور اصل و فرع سرمایه، آزادی سرمایه‌گذاری در رشتۀ دلخواه، دستیابی به حد اکثر سوددار حداقل زمان و تهات سیاسی در کشور سرمایه‌پذیر از خواسته‌ای عده سرمایه‌ای انحصاری است. سرمایه‌داران غرب و نمایندگان آنها پس از مبالغه وضع در ایران با رژیم فاقد ثبات سیاسی و دارای ساختار حکومتی قرون وسطائی رویه شدند. آنها دیدند که هغز تصمیم نهایی نه درباره، ماهیت پارسازی خرابی‌های جنگ و تدریجی از خواسته‌ای انداده شدند. همچنان می‌گویند: "میانه روها" را توسعه "حیجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی" پیش کرد. رادیو اس ایل به اینهم اکتفا نکرد و با طرح سروشت پیر-حسین موسوی پطور غیر مستقیم هم شد، ضرورت کنار گذاشتن وی را همانند محترمی و ریشه‌ی پیش کشید.

هنوز هیاهوی سران رژیم درباره و وجود وحدت پس از مرگ خوبی در گوشها لبین اند از بود که پورش گستردۀ گروه رفسنجانی - خامنه‌ای و یا "هنچ بیانه رو" به "تندروها" آغاز شد. در فهرست وزراء هدید ارائه شده از چانه رفسنجانی به مجلس نام ۱۲ تن از وزراء سابق از جمله رهبران "تندروها" حذف شده است.

همین چند هفته پیش بود که آیت‌الله موسوی، اردبیلی در شبهه "نمایجه اهل‌باداشت" به کشوری، چشم دشمنان، وحدت کامل در صفوف هاداران اسلام فقاوتی حکمرانیست. وی، بدون اینکه از ماهورهای پیش پرده با خبر باشد آنچه را که خامنه‌ای و رفسنجانی و آذری‌قیمی و ... مخفته بودند، تکرار می‌کند. او هنوز شهر نداشت که سرنوشت توسعه رهبران چدید رقم خورده است. ریشه‌ی و محترمی که در اس دو و از تخته‌دانی دارای قدرت نامحدود، یعنی وزارت اطلاعات و وزارت پیش‌فرار داشتند و از رهبران "چنان تندرو" هشمار

* ارتقا مناسبات با امیری‌لیسم به سنج همکاری‌های اقتصادی و سیاسی مستلزم مهدف "تندروها" از دولت بود.

می‌رفتند برازی نمایش "وحدت" در بر ابر "دشمنان داخلی و خارجی" به ارکستر تحت رهبری رفسنجانی بیوستند اما پس از چند صهابی خود را در کنار گود دیدند.

انتشار این خبر چه عکس العملی در غرب داشت؟ مثای است معروف که می‌گویند: "پس بتو درست کیست تا پگوییم کیستی، رادیو اس ایل با شادی بی حد و حصری خبر کنار گذاشته شد" همه "تندروها" را توسعه "حیجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی" پیش کرد. رادیو اس ایل به اینهم اکتفا نکرد و با طرح سروشت پیر-حسین موسوی پطور غیر مستقیم هم شد، ضرورت کنار گذاشتن وی را همانند محترمی و ریشه‌ی پیش کشید.

هنوز خیلی قهل از رادیو اس ایل، روزنامه ارتقا ای "دی ولت" (آلان غربی) در شماره ۱۲ اوت خود مخالفت خویش را به ایلکار گرفتند موسوی در کاپینه چدید اعلام کرد همچنان دیگر ایران را نظر تا اندازه‌ای معرف را پذیرد اینکه اینکه ای اسلامی در تفسیر روزنامه "پادیده" چدید مرحله "چدید انتقال" ناید. رادیو اس ایل در تفسیر ۲۹ مرداد خود گفت اینکه "مفسرین خارجی ترکیب کاپینه" چدید ایران را امیدپیش توصیف می‌کنند. در این تفسیر از انتخاب علی اکبر ولایتی تحصیل کرده آمریتا و بنی محسن نوری‌پیش، هزار تحقیق کرد، آمریتا، ایام‌وار رضایت ویزه‌ای شد. مفسر، "بیت‌الاسلام فلاچیان" را که به وزارت اطلاعات تعیین شده، فردی با سابقه معرفی کرد و اینکه آقای اکبر ترکان به سمت وزیر دفاع معرفی شده ایشان خبرسندی کرد. حیرت آوار آنکه مفسر رادیو اس ایل گفت، وی که تا کنون پیش‌تر صنایع نشانی را بر عهده داشت، انتظار می‌رود در افزایش تولیدات داخلی برای تامین نیازمندی نیزه‌ای مسلح بکوشد.

* آپاگره هاشمی رفسنجانی - خامنه‌ای در نهضه پرس قدرت به پهلوی نهانی نائل آمده‌اند؟ پایخ نمی‌تواند مثبت باشد. در گیری بهین دو "رهبر" در آینده مصالحت نیست.

"تندروها" بود. این ضربه زمینه را برای تحقق پیشیدن به پر نامه عمل "میانه روها" پس از مرگ شمینی آماده ساخت. "مرحله" چدید انتقال" و یا ساختار چدید می‌گشت، پس از مرگ خوبی هسته مرکزی این پر نامه را تشکیل می‌داد. سیستم قرون وسطائی اداره ای کشتارهای "میانه روها" در زمان کاره و مهندسی آنها را از طریق نمایندگان "امام" که استانداران و فرم امداداران و شهیداران را عمل از تصمیم گیری مدد و مکرده بودند، ضرورت مراعات اصل "ولايت فقیه" ها تأثیر منفی آن در رشد نیزه‌های مولد، بی اثر ماندن تلاش "میانه روها" در زمینه "زندیتی" با غرب در تئیجه "عملکرد" "تندروها" در دولت و مهندسی، خود ای ردولت از این‌سیستم در بر ای رسانی‌ها و متحدا آنها در "هنچ بیانه روها" ادامه رقابت میان سیاه و ارشن و نیز شهیدانی و کمیته و ... شرایطی هی ثباتی رژیم را فرام آورد. پیش

دو شعار رویارویی هم قرار داشت: تامین کار و پهلوی نسبی شرایطی زندگی از طریق گشودن

در زمین بی آینده

میرحسین موسوی، یکی از مخالفان سرخست خامنه‌ای، نشان داد که عمر سازش دوچنان عده‌حتی کوتاه‌تر از آنچه که تصور می‌رخت، بود.

هنوز به هنکام شاوره پیر امون تعیین اعضاً کاپینه "جدید بود که روزنامه "کیهان" نوشت:

ضرورت حفظ وحدت ایجاد می‌کند تا تغییر چندانی در ترکیب کاپینه داده نشود. نویسنده تکرار

تشدید عدم ثبات بود. آبا اکنون پس از ارائهٔ

آهورست وزرا به مجلس شورای اسلامی شکست این نظر

به اثبات نمی‌رسد؟

پایان به این پرسش با بررسی سیاست

"تندروها" پیروز دارد. ما گفت ایم که سیاست

دوچنان عده در حاکمیت پیرامون آن هیچ وقت

پک دست نهوده و هر دو در برخورد به پاره‌ای مسائل

(الهنه مختلف) موضع ارتقای عینی داشته و

دارند. "چنان تندرو" طرفدار سرخست شعار

"چنگ، چنگ تا پیروزی" خیلی بود و قادر نشده

تغییر پنیادی، بوجود آمده در احوال و روحیهٔ

"مستضعان" (که خود را حافظ منافع آنها

می‌دانست) بی‌پرداز. اکثریت مطلق مردم از چنگ

پیروز بودند. "تندروها" بدون توجه به این موضع

توده‌های میلیوپوشی، می‌کوشیدند تا با مخالف چنگ

نشان دادن "میانه روها" آن‌ها را "افتخار" کرده و

حایات یک‌چانهٔ خیلی را چلب کنند.

- در همان روز، "تندروها" با این عمل ناسنجیده عمل به تحکیم

موقعیت مخالفان خوبی‌شایاری می‌کردند. آنان چنان

غرق مهارزهٔ چنانچهٔ یاری بودند که در ک

تکردن هم پورزوایی و یا به قول خمینی "بازاریان

محترم" و هم امیریالیسم آمریکا دیگر خواهان

ادامهٔ چنگ نیستند.

اینکه امیریالیسم آمریکا کاپاکم متحده استر ایشان

شود اسرائیل آتش بیار چنگ میان ایران و عراق

بوده، چهای تردید نیست. اما وقتی دامنهٔ چنگ از

مرز تعیین شده خارج شد و می‌رفت تا منافع

استر ایشان امیریالیسم را در منطقهٔ دارای اهمیت

جهانی ایشان - میانی خلیج فارس به مخاطره

اندازهٔ "واشنگتن" خواهان پایان دادن فوری به

آن شد. "بازاریان محترم" نیز در این مورد هم

امیریالیسم هم صدا شدند. چرا و به چه علت

بورزوایی تجاری که سود سراسر آور از ادامهٔ چنگ

می‌پرداز، ناکنایان بیاست شود را تغییر داد؟ آنچه

بورزوایی تجاری را به این سمت کشاند، نه موضع

"واشنگتن"، بلکه منافع درازمدت خود آن بود.

* از هم پاشیدگی تولید صنعتی و کشاورزی بزرگترین خطری است که رژیم را تهدید می‌کند.

پاید گفت این پخش از بورزوایی که زیر چند

حایات خمینی سود واقعاً افسانه‌ای از چنگ بود،

به قدرت اقتصادی بزرگی تبدیل شده بود، خواهار

دستیابی به افرادی سیاسی بود. ادامهٔ چنگ

مثابهٔ یکی از عوامل نیز در منطقهٔ "تندروها" ب

منابع مخالفان سرخست خود را تحقیر

پخشیدن به خواست "بازاریان محترم" بود. به این

علت سرکوب و یا رانده شدن "تندروها" از عرصه

سیاسی در درازمدت به سود صاحبان توخواسته

در رفت.

یکی از تقدیمهای چنان "میانه روا"

موضوع "مثبت" در زمینهٔ اعلام پاصللاح "ازاده"

احزاب و سازمانهای" و یا ایجاد "فضای باز" بود

اشتباه خواهد بود اگر تصور شود که میانه روها" و از

نیز خواهان آزادی احزاب بودند. هدف آنها جلد

توجه افکار عمومی غرب و بهین سان ایجاد چوبرا

حاکمیت جمهوری اسلامی پا مجامعت غرب مغایرت داشت. و انکه آلتراستیو منتظری و بارانش خواهی‌ند "تندروها" نیز که خود برای دستیابی به حاکمیت انحصاری مهارزه می‌کردند، نهود و به معنای نفی ساختار به این رسیده از خمینی نیز داد. محتوای پر نامه "ساختار چدید حکومتی چز به معنای نفی ساختار به این رسیده از خمینی نیز نهود. با توجه به آنچه، گفته شد می‌توان به این مفسر صدای جمهوری اسلامی دربارهٔ "مرحلهٔ چدید انقلاب" تا اندازه‌ای موافق کرد، البته نه در انقلاب، بلکه در زندگی اجتماعی - اقتصادی تشور.

گروه رفته‌چانی - خامنه‌ای که رهبری حاکمیت را در مهارزه با "تندروها" به دست گرفته‌اند، پنهانی میدانند که سرمایهٔ انحصاری خارجی در صورت موافقت و اشتنکن می‌تواند حاضر

* در پرسی آینده گروه رفته‌چانی -

خامنه‌ای نهاید نشش روحانیون متنفذی را که

فهله سرشان بی‌کلاه مانده، هرامش

کرد.

به همکاری گستردهٔ سران چدید رئیس پاشد. به مین علت مسئله پهلوی مnasیمات ها "واشتن" از مدت‌ها پیش در مد نظر شخص رفته‌چانی مطهوعاتی او پارها این موضوع را در مصائب‌های مطهوعاتی مطرح کرد و هر چار نیز با "کارشکنی" "تندروها" روپر و گردید وعقب نشست.

الهنه به هنکام چنگ ها و ساخت اسرائیل، مناسبات پنهانی تنکاتنی میان "تهان" و "واشتن" برای خردید و تجهیزات نقاومی به سطح همکاری‌های اقتصادی، و سیاسی مستلزم حدف "تندروها" از دولت بود. شرط‌دیگری که میباشد ساختار چدید حکومتی را لخواه امیریالیسم کند، کنار زدن سیاه پاسارهان به عنوان "بازوی سلح رژیم" و نیز کمیته‌ها از ترکیب نیرهای انتظامی بود. تصادفی نیست که رفته‌چانی هنوز در زمان حیات خمینی نیز است که در این سیاه وارتش را مغلوب کرد. اما در آن مسنه ادغام سیاه وارتش را مغلوب کرد. ایام این سیاست نتوانست برای خود چاپاکند و با مقاومت ساخته‌های گروهی غرب به عنوان "مردم نیرومند" و "ناهی چمهوری اسلامی ایران" تهیی می‌شود، و حدف میرحسین موسوی به عنوان "حرب الله" افغانی مورد نظر نخست انحصارهای خارجی و سرمایه‌داران داخلی، هدون شک کام دیگر توان از آغاز این تمهیه‌ها آغاز شد. ایام این سیاست نتوانست برای خود چاپاکند و با مقاومت ساخته‌های گروهی غرب به عنوان "مردم رفته‌چانه" فرماده‌های سیاه روپر و گردید.

رویدادهای بعدی، یعنی اعدام گروهی از فرماده‌های سیاه، از میان طرفداران منتظری و سپس تصفیه در سیاه و اخراج عدهٔ دیگر از فرماده‌های سیاه وارش را مغلوب کرد. آنچه در آن قتل از آغاز این تمهیه‌ها آغاز شد، آوردن شک کام دیگر سیاه، رضایی به تلویزیون و مجهور کردن وی به مقصود رسانید.

اعتراف به گناه سیاه در شکست نیرهای غرب در پنهان، چور ای را در این سیاه در شکست آماده کرد. پنهان روز پیش مجلس شورای اسلامی ادغام دو ورزخانه سیاه و دفاع را در وزارت‌خانهٔ واحد امور امنیت دفاع و پشتیبانی نیرهای مسلح "تقویی" کرد. این نیز ضربهٔ دیگری به "تندروها" است که بود.

اعتراف به گناه سیاه در شکست آماده کرد. پنهان روز پیش مجهور کردن وی به مقصود رسانید. آنچه هم به این روای آینده می‌گذرد، آنچه در آن دور به این پرسش، پاسخ خواهد داد.

در همین چاپاک خاطر نشان ساخت که از نظر "میانه روها" عزل منتظری، از مقام چهانشینی خمینی نیز ضروری بود. زیرا باقی مادران منتظری در آن مقام خطر چدی برای گروه رفته‌چانی - خامنه‌ای پشامد و پس از مردم خمینی اطرا فایان منتظری حاکمیت را قهقهه می‌دادند. چنین تحولی در

* تزريق سرمایهٔ داخلی و خارجی به

الاقتصاد، نیازمند ایجاد شرایط و محتاج به زمان برای تجدید ساختار دولتی و تامین ثبات آن است. اما آبا چنین چشم اندازی برای "میانه روها" می‌تواند وجود داشته باشد؟

توان از چنانی در حاکمیت را در حالت چدید

به هر حال، با توجه به اینکه در حال حاضر اقتصادی آن می‌تواند از طبق "رهر" با مشورت "شورای مصلحت نظام" حل گردد، موضوع امنیت شورای مصلحت نظام انتظامی بود. تصادفی نیست که رفته‌چانی هنوز در زمان حیات خمینی نیز است که در این سیاه وارش را مغلوب کرد. اما در آن مسنه ادغام سیاه وارش را مغلوب کرد. ایام این سیاست نتوانست برای خود چاپاکند و با مقاومت ساخته‌های گروهی غرب به عنوان "مردم نیرومند" و "ناهی چمهوری اسلامی ایران" تهیی می‌شود، و حدف میرحسین موسوی به عنوان "حرب الله" افغانی مورد نظر نخست انحصارهای خارجی و سرمایه‌داران داخلی، هدون شک کام دیگر در

اعتراف به گناه سیاه در شکست آماده کرد. پنهان روز پیش مجهور کردن وی به مقصود رسانید. آنچه در آن دور به این پرسش، پاسخ خواهد داد.

در همین چاپاک خاطر نشان ساخت که از نظر "میانه روها" عزل منتظری، از مقام چهانشینی خمینی نیز ضروری بود. زیرا باقی مادران منتظری در آن مقام خطر چدی برای گروه رفته‌چانی - خامنه‌ای پشامد و پس از مردم خمینی اطرا فایان منتظری حاکمیت را قهقهه می‌دادند. چنین تحولی در

اعتراف به گناه سیاه در شکست آماده کرد. پنهان روز پیش مجهور کردن وی به مقصود رسانید. آنچه در آن دور به این پرسش، پاسخ خواهد داد.

برای مردم قابل هضم خواهد بود؟ آیا "تندروها" این فرصت طلاشی بیوش به "میانه روها" را از دست خواهند داد؟ در بررسی آینده "گروه رفسنجدانی-خامنه‌ای" نهاید نقش روحاخیون متنفذی مائند انصاری و غیره را که سالم‌داشت خوبی را اداره می‌کرده‌اند و با پرونده "کامل سران رژیم آشناشی دارند و فعل سرشان بی‌کله مائده، فراموش کرد. هنچین بخلاف نوشه "احمد خمینی خطاب به منظری، وی به هیچ وجه دست از فعالیت نکشید است. هیام منظری به مناسبت مرگ خمینی که فقط در "کیهان" منتشر نیافت، نشان‌تر آن است که وی هنوز داد رهنمود را فراموش نکرده است.

وی در این پیام مائند گذشته برای یکایک شاهداها ارگان‌های دولتی در مردم حفظ نظم و انتظام

* از نظر "میانه روها" علی متنظری از مقام چاوشی خوبی ضروری بود، زیرا با این مائند منتظری در آن مقام خطر چندی برای گروه رفسنجدانی - خامنه‌ای به شمار می‌آمد.

و نیز چتونگی گزینش "رهبر" جدید وظیفه تعیین می‌کند. در نمازجمعه^{۱۹} خرداد در تهران "رساله‌های منتظری در مقیاس وسیع به فروش" می‌رسید. منتظری علاوه بر امت اسلامی از "مردم مهارز ایران" سخن به میان آورد. پس از بزرگ‌نمایدن منتظری از قائم مقامی رهبر و سپس انتشار "نامه" توهین آمیز احمد خمینی، مهربویت منتظری در میان لایه‌های معینی پیشتر شد. می‌گویند در ازبایی پھل آمده از جانب "وزارت اطلاعات" حدود نیمی از پاسداران به منتظری علاقه نشان می‌دهند. وی در میان طلاب قم و روحاخیون تهران نیز هوداران زیادی دارد. بنابر این منتظری، استخوانی است در گلوب "رهبر" و ریاست چهاری و یکی از مشکلات عده "آنها" شماری رود.

مجلس شورای اسلامی گزه دیگری است. هنوز مرکب فهرست کامپینه "رفسنجدانی خشک شده"، بهش از ۱۲۰ تن از نمایندگان خواهان سیدن و وزارت کشور به محتملی، یکی از رهبران "تندروها" شدند. این نمایندگان چه موضعی به هفتاد رای گیری در مورد وزرا اتخاذ خواهند کرد؟ به هر حال در میان نمایندگان مجلس "تندروها" گرچه در اقلیت هستند، با وجود این می‌توانند نقشه‌های "میانه روها" را بهم بزنند.

"روحاخیون مهارز تهران" که دبیرش کروی رئیس مجلس شورای اسلامی است و روحاخیونی مائند محتشی، خوئینی‌ها، نویسی، خلخالی، غفاری و ... در آن عضویت دارند و تقریباً همه از بسته‌هایشان کنار گذارده شده‌اند، طبعاً سکوت خواهند کرد و به مهارزه با گروه رفسنجدانی - خامنه‌ای ادامه خواهند داد. در این مورد اظهارات محتشمی سختگوی "روحاخیون مهارز تهران" در ملاقات خود همراه با استناداران کشور خامنه‌ای چنلب نظر می‌کند. او گفت، "مادر راه اجرای تسامی اهداف امام خمینی با شایعیت می‌کنیم" - مخالف و پیغمبر ای در تهران می‌گویند که اظهارات محتشمی این مفهوم را تداعی می‌کند که گروه رفسنجدانی - خامنه‌ای ادامه دهنده‌گان راه خمینی نیستند.

می‌بینیم موسوی و تعداد زیادی از معاونان و مدیران کل و ... که هر ماه ۱۲ و زیر کنار گذارده خواهند شد منطقاً در موضع ضد گروه رفسنجدانی - خامنه‌ای فرار خواهند گرفت. اگر کارمندان حزب الله و نیز کارمندان ضد رژیم در مجموع آن

"تندروها" به عنوان یک چهت گیری و آمادگی برای سازش با غرب ارزیابی شد. چهه "خندان و خوشحال رفسنجدانی در این مصاحبه که مردم آن را "گویای اسرار نهان" نامیدند، خشم حزب الله‌ها را برانگشت. چهار چیزی که رفسنجدانی در مردم مورد به غرب و پیویش به آمریکا نشان داد با عکس العمل "تندروها" در درون و پیرامون حاکمیت مواجه شد. سخنان چنین، سپرست سازمان تبلیغات اسلامی در رهبر "محکوم کردن" طرح مسائل اختلاف انتیز در مساجد و تکایا از جانب عده‌ای، پیاتر آغاز شدند مهارزه میان دوچنخان عده‌هود. پاسخ گروه رفسنجدانی - خامنه‌ای به یورش "تندروها" کنار گذاشته آنها از مقامات حساس دولتی و قضایی و ... بود.

حال پایده این پرسش پاسخ داد، آیا می‌توان گفت که گروه هاشمی رفسنجدانی - خامنه‌ای در نهاد بررس قدرت به پیروزی نهایی نائل آمده‌اند؟ پاسخ نمی‌تواند مثبت باشد. چرا؟ نهاید از نظر دور داشت که اتحاد رفسنجدانی و خامنه‌ای چندان پایدار نیست. این درست است که ظاهر و عمل رفسنجدانی و پس از وی خامنه‌ای قدرت پیشتر رادر این ائتلاف دارند، اما قدرت قانونی خامنه‌ای یعنوان "رهبر" نشان به هر حال پیشتر از رفسنجدانی وصیت‌نامه^{۲۰} وی به برنامه "استراتژیک و تاکنیکی رژیم نه تنها "میانه روها" و "رسالتی‌ها" بل در عین خمینی و سوصدائی که پیرامون ضرورت ادامه راه خمینی بد راه افتاد و اصرار "تندروها" دایر بر اهرازی بی‌چون و چرا و صایابی خمینی و تندیل مخالفت باه اصطلاح آزادی احزاب و سازمانها، گام دیگری در چهایی از مردم خواهان آزادی برد اشتند.

سارش موقعت میان دوچنخان عده‌پس از مرگ خمینی و سوصدائی که پیرامون ضرورت ادامه راه خمینی بد راه افتاد و اصرار "تندروها" دایر بر است. با توجه به چاه‌طلبی‌ها و خودمحوری‌های رفسنجدانی و پس از وی خامنه‌ای قدرت پیشتر رادر این ائتلاف دارند، اما قدرت قانونی خامنه‌ای یعنوان "رهبر" نشان به هر حال پیشتر از رفسنجدانی وصیت‌نامه^{۲۰} وی به برنامه "استراتژیک و تاکنیکی رژیم نه تنها "میانه روها" و "رسالتی‌ها" بل در عین حال غرب را نیز تکان ساخت. به احتمال قریب به یقین عملیات "موساد" و ارتش اسرائیل در بودن شیخ عبید رهبر جزب الله‌ای چهاری اسلامی و تندیل نهارت "تندروها" ی چهاری اسلامی، از جمله با هدف پایان دادن به "عقد اخوت" میان دوچنخان و تقویت "چنان میانه روا" از طریق ایجاد شرایط برای تماس تهران و واشنگتن سازماندهی شد.

پس از قتل سرهنگ آمریکایی توسط حزب الله‌ای‌های لهستان، رفسنجدانی اعلام کرد که در نجات چنان گروگان‌های دیگر به "واشتلت" باری خواهد کرد. رسانه‌های گروهی غرب تو شنیدند که پس از گوگان‌گیری کارکنان سفارت آمریکا در تهران در سال ۱۹۷۹ هرای نخستین بار رئیس چهاری اسلامی و عده "کنک" به حل بحران گروگان گیری رامی دهد. رفسنجدانی خنثاب به رئیس چهاری آمریکا گفت که معضل گروگان‌ها و مسئله^{۲۱} لهستان می‌تواند از طریق

* از دید "میانه روها" برای چلب سرمایه خارجی، قله از رهبری می‌باشد به هوام بازدارنده^{۲۲} صدور سرمایه به چهاری اسلامی سلطانی پایان داد، محظوظ بر نامه^{۲۳} ساختار چندی حکومتی چز به معنای نهی ساختار به ارث رسیده از خمینی نیست.

خلخال هر دو "رهبر" امکان در گیری میان آنها بهیج و چه یک امر محال نیست. در این میان احمد خمینی به عنوان تنها "یادگار امام" با پدیرفتن نمایندگان "امت عیشه در صحنه" آشکارا در امور دولتی دخالت می‌کند. احمد خمینی صاحب هیچ مقامی نیست و قلعه در مقام مسئول تکه‌داری استاد و مراislات خمینی فعالیت دارد، ولی نهاید فراموش کرد که فقط او می‌تواند صحبت و پایام صحت پیام ما و فرامین "امام امت" را تصدیق کند و مشکلاتی برای "رهبر" و ریاست چهاری بوجود آورد.

رفسنجدانی در ایجاد ساختار چندی حکومتی در "مرحله" جدید انقلاب^{۲۴} که هدف از آن قاعده‌تا باید سر و سامان دادن به اقتصاد عمیقاً فلک شده، حرجه^{۲۵} برند^{۲۶} "حفل استقلال چهاری" اسلامی را به موازات چلب "کیک" غرب ازدست خواهد داد. اگر این روند همراه با بهبود سریع و ملموس زندگی دهها میلیون انسان نهادش - که محال است - رفسنجدانی و یارانش فربانی نهیتی خواهد بود. ما عنقدیم که رژیم نخواهد توانست در کوتاه مدت تحول موثری در چهت خواسته‌ای اجتماعی موردن پیغایض آورد. بنابر این اقتصاد و رشکسته مانند شمشیر داموکلیس روی سر رهبران جدید آویزان خواهد ماند.

برای چلب سرمایه، اعم از داخلی و خارجی، رهبران جدید باید به سلسه اندامات از قبیل بهاری پیش روسی روی^{۲۷} اشاره‌های زیاد^{۲۸} تصادفی نیست. تکیه^{۲۹} بهوش روی^{۳۰} اشاره‌های زیاد^{۳۱} میانه‌ای پس از مرگ خمینی، رفسنجدانی باعیله از خبرت‌شماران خارجی که خداشته بهدهد و نظام سرمایه‌داری و استه را رسماً پدیرا کردند. آیا این تا بدوں اخذ ویزا به ایران بیایند ۱۸ تا خرداد وی در یک مصاحبه^{۳۲} مبنهواعات مطابق همیشه تلویجاً از آمریکا خواست تا انقلاب اسلامی را به رسیت بشناسد. این مصاحبه از طرف اکثر مردم و

* هنوز در زمان حیات خمینی، ضلع چسی و روسی وی، "زمینه" از هم گسیختنی اصل ولایت فلسطین را فراهم آورد و بود.

بعد، نه رویارویی حل گردد. ۱۶ اوت ۱۹۸۹ خبرگزاری‌های جهان، اظهارات، "پوش" را در مورد مناسبات ایران و آمریکا پیش کردند. او گفت، "ما شاهد به قدرت رسیدن رهبر جدید در آنجا (ایران) بودیم. ما از آنجا اشاره‌های زیادی دریافت می‌کنیم. اشاره صریح و مثبت آزادی گروگان‌های آمریکایی می‌توانند باشند".

حامل "اشارات" رفسنجدانی به پوش و زیر امور خارجی^{۳۳} پاکستان است که میان اسلام آپاد - واشنگتن و اسلام آپاد - تهران در حرکت است. تکیه^{۳۴} بهوش روی^{۳۵} اشاره‌های زیاد^{۳۶} تصادفی نیست. در خرداد ماه، یعنی چند صهابی پس از مرگ خمینی، رفسنجدانی باعیله از خبرت‌شماران خارجی که خداشته بهدهد و نظام سرمایه‌داری و استه را رسماً پدیرا کردند. آیا این تا بدوں اخذ ویزا به ایران بیایند ۱۸ تا خرداد وی در یک مصاحبه^{۳۷} مبنهواعات مطابق همیشه تلویجاً از آمریکا خواست تا انقلاب اسلامی را به رسیت بشناسد. این مصاحبه از طرف اکثر مردم و



بیچاره کامپیوتر

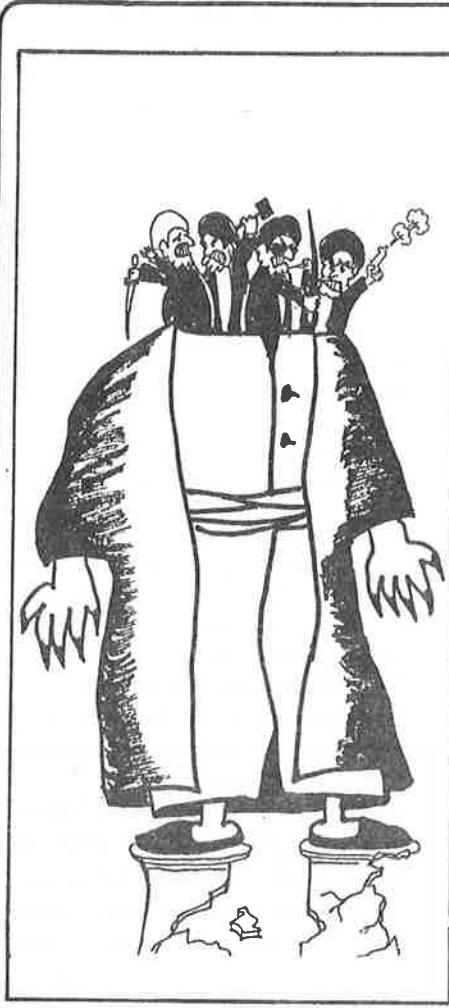
چند ماه پیش سیستم اطلاعات کمیته‌ها کامپیوتری شد و اکنون باز خبر می‌رسد که در جمهوری اسلامی به فکر استفاده از کامپیوتر افتاده‌اند. ممکن است کسانی پس از شنیدن این خبر تصور کنند که رهبران جمهوری اسلامی برای عقب نشاندن از قافله "تهدید دست اندکاردار" استفاده از کامپیوتر در تولید و آموزش شده‌اند. به این گونه آدم‌های خوش باورنگاهی توان صبح پیش گفت. چون آنان هنوز نی دانند که مسئولان جمهوری اسلامی عادتشان شهید اکوان دیو است و قسم خوده‌اند از هرجیز درست درجهت عکس آنچه که باید، استفاده کنند. صاف و ساده صحبت بر سر کامپیوتری کردن آثار "امام خمینی" است. این خبری است که سپریست "بهیاد نشر آثار امام خمینی" در دیدار با "یادگار امام" مطرح کرده است.

هر همگان واضح و مهرمن است که کامپیوتر فاقد پا و به طرق اولی پای قرار است. حال کامپیوتر بیچاره با انشاش شدن این همه لاثالات در حافظه اش به چه روزی، دچار خواهد شد، معلوم نیست. البته می‌توان در این پاره حدس هاشی زد. ممکن است کامپیوتر در اثر فشار ناشی از تحمل تراویث فکر خمینی به چنون مهتلای شود و با اینکه بزودی مشاهد تولد اولین کامپیوتر مکتبی باشیم. البته شاید برعی‌ها بگویند که تنبیه در هر دو حالت یکی است و در هر حال کامپیوتر مظلوم از نعمت عقل محروم خواهد شد. می‌توان با رعایت اختیاط و موازین امنیتی (جون ممکن است رهبر عظیم الشان چنیده بخواهد تقویت کلام خود را بر مسلمین جهان روی سر کیل ما آزمایش کند و به عنوان یکی از ملزم‌ومات رهبری حکم مهدور الدم پودنمای راصد رکن) با این گفته موافقت کرد.

تواضع پادگار امام

حاج احمد آقا ممثل همه^{*} فرزندان خلف و صحیح النسب، صفات حمیده و خصائص ستوده^{*} بسیاری از پدر مرحوم خود به ارت برده است. از زمرة^{*} این خصائص تواضع و اخلاص پیش از حد است، که در همان دیدار مدکور می‌آنکه خود بخواهد، گشمه و اغليان کرد. او در این دیدار در حالی که چذبه ای روحانی بر سیمای هوشمندان سایه افکنده بود، گفت: "من همواره دفعه‌داشتم که چه کسی مرجع تصمیم گیری در مورد آثار و مسائل مربوط به امام می‌باشد. تا اینکه حضرت امام در جواب شماهه^{*} من این مسئولیت را به خودم و اکذار کردم". انصافاً هم چه کسی لاپیق تراز حاج احمد آقا می‌شد برای، چنین کاری، که جیات و ممات پسریت در گرو و آن است، پیدا کرد.

ماهه همه^{*} مختصر عین و مکتشفین معهود و مکتبی، که تاکنون قلل رفیع علم و داشت را به کوری چشم استکبار چهانی و وهابیون حاکم بر حجاج فتح کرده‌اند، بیشنده می‌کنیم و سیله‌ای بیایند تا بتوان به کمک آن وجود مهارک حاج احمد آقا را ضمیمه^{*} وصیت‌نامه^{*} امام کرد تا در همه^{*} قرون و اعصار مردم چهان از فیضان پر برکت آن بهره‌مند شوند.



رژیم بی‌آینده

ر اینیز به این رقم پیغام ایم، تعداد مخالفان حاکم کنونی رقم چشتیگی از کارکنان دولت را دربر خواهد گرفت.

البته، جمعیت‌های دیگری مانند انجوشیان سامان که دفتر تحکیم وحدت هسته^{*} اصلی آن را تشکیل می‌دهد و نیز گروه‌هایی از طلب حوزه‌های علمیه و روحانیون قم و اصفهان و مشهد و تهران نیز در صف مخالفان رفتنجاشی - خامنه‌ای قرار دارند.

سپر رویدادها نشانگر آن است که احتمال شکل‌گیری دیکتاتوری مشاهی خمینی در کشور در شایع موجود بعید به نظر می‌رسد. چنانکه حزب مادر تحلیل‌های خود خاطرنشان کرده، تصرف انحصاری قدرت از جانب یک چنان مسلط

۱۱۰ فیزیکی چنانچه دیگر است. آیا توان چنین علی را از رفتنجاشی - خامنه‌ای انتقاد داشت؟ به نظر می‌رسد در صورت محدود بودن مخالفان به "سندروها" امکان آن می‌بود تا گروه یادشده با هدف فیزیکی رهبران آنها به نتیجه برسد. اما دایره^{*} مخالفان چنایکه دیدیم، تئاتر نیست و این یک مانع جدی در راه "مرد نیرومند" جمهوری اسلامی است. یک نکته^{*} دیگر را هم باید در نظر گرفت که برای فروشناندن موقعیتی در گیری‌ها و اختلاف‌ها که پس از اعلام اسامی وزرا^{*} کاپینه^{*} رفتنجاشی بسیار حاد تر شده، فردی مانند خمینی وجود ندارد تا با پکارگیری نفوذ خود در میان طرفین درگیر پادربانی کند و موقعنا از تشید اختلاف‌ها بگاهد.

به آنچه که گفته شد باید هراس داشم رژیم و رعیران چدید آن از هر روز تشنج زایدیه^{*} به رسان اقتصادی و مالی و فقر و بیکاری و بی‌خانمانی محصول آن را نیز افزود. بینظر ما از می‌باشید گی توبلید صنعتی و کشاورزی بزرگترین خطای است که رژیم را تهدید می‌کند. سروش^{*} "مرحله" چدید انتقال^{*} صرف نظر از چنگوتکی ادامه^{*} هماره^{*} چنان‌ها، در وهله^{*} نخست با وضع اقتصادی بسیار دارد. این، وضع فلاکت‌بار اقتصادی است که می‌تواند ضربه^{*} مهلكی بر رژیم وارد آورد.

اقتصاد کشور در نتیجه^{*} ۸ سال چند، بی‌کفايتی، سو^{*} مدیریت، ورشکست مالی و ... چنان ضربه دیده که رژیم کنونی به هیچ وجه قادر به احیای آن نخواهد بود. خود گرد اندیگان چرخ‌های

* رفتنجاشی به حدف ۱۲ تن از وزیر

ساین از لهه‌ست کاپینه^{*} پیشلهادی خود و کلار گداردن میرحسین موسوی، نشان داد که هر سازش دو چنان عده حتی کوتاه‌تر از آنچه تصویری وقت، بود.

اقتصادی کشور می‌گویند که "ما گرفتاریک اقتصاد بیمار، واپسنه و روشکسته هستیم" به گفته^{*} آنها هم اکنون ۷۰ درصد طرفت‌های کارخانه‌های کشور به دلیل نداشتن ماشین آلات یا قطعات بیدکی یا مواد اولیه معلول مانده است و مدیریت کشور به صورت کنونی توان اجرای پروژه^{*} دست و پا شکسته^{*} ۵ ساله "چدید راندارد" (کیهان، ۱۹/۵/۱۶).

نزاریک سرمایه^{*} داخلی و خارجی به اقتصاد که "میانه روها" چشم امید به آن دوخته‌اند، نیازمند ایجاد شرایط و محتاج به زمان برای تجدید ساختار دولتی و تامین نهاد آن است. این یک روند است و پس از سرکوب فیزیکی مخالفان خود

شعر رسیده از ایران

کاوه

پشتیش بزیر بار خدید
با زوش خسته شد
کاهی اسیر ظلمت شد
کاهی به چشم های خودش شک کرد
کاهی دودل میان دوراهی ماند
کاهی سران پدید.
کاهی فریب خورد
کاهی شکست خورد
و همراهان رهایش کردند.
اما شکست رانه دیرفت
و باز رفت.

اوی رو دهنوز
به بالای کوه قاف
ناصیح دم پتیرد، گیسوی آفتاب
آنرا بیاورد
بر سفره اش نشاند
و خلو، راتمامی مهیان خود کنند.

گروگانها را مشروط به برآوردن خواسته ای معین خود
می کنند؟

هم اکنون در لبنان دولت ج. ا. یک پایه ای
اصلی تشنج و اختناق است. حمایت از نیروهای
بنام "حزب الله" که تقابل از اعظام عوامل ج. ا. به
لبنان در اوائل انقلاب، به شکل سازمان یافته وجود
خارجی نداشت و ج. ا. نقش اساسی را در سازماندهی
آن داشت، چه معنایی جز ترویریسم دارد؟ هم اکنون
ترویریستهای "حزب الله" داشما در ج. ا. آموخت
می بینند و به این کشور اعزام می شوند؟ این کارهارا
جز ترویریسم چه می توان نامید؟ آیا نه آن است که
ج. ا. برای صدور "انقلاب اسلامی" به لبنان
آشکارا از حریب ترویریسم کشته داده می جوید؟
رژیم ج. ا. هر ساله - آن هم در شرایط بحران فراگیر
اقتصادی در کشور بیش از صد میلیون دلار ارزبه
"حزب الله" لبنان کمک می کند. آیا نه آن است که
از محل دسترنج زحمتکشان ایران برای ایجاد تشنج
در لبنان استفاده می شود؟ ترویریستهای تحت
حمایت ج. ا. نه تنها کمکی به حل مسئلهٔ لبنان و نیز
خلق فلسطینی نمی کنند، بلکه نقش منفی دارند و روز
به روز بر دامنهٔ تشنج و پیچیدگی اوضاع
می افزایند، این امر قبل از همه موجب خشنودی
اسرائیل و ایالات متحدهٔ آمریکا است. در واقع ج. ا.
عملدار کنار دولتهای قرار ارمی گیرد که کشوریسم
را موثرترین و سیلی هرای رسیدن به هدفهای خود
می دانند. بنابر این خرابکاری و ترویریسم تهمت
نشایست به ج. ا. نیست، بلکه واقعیتی است
انکارناید.

ضرورت مبارزه با ترویریسم ایجاب می کند که
چه در داخل و چه در خارج از کشور راههای مبارزه با
آن را بیابیم. رژیم ج. ا. می کوشد تا با تبلیغات
بی اساس و صحنه سازیهای گوناگون افکار عمومی را
از جنایت های خود منحرف سازد و چهره ای "مطلوب"
از خود نشان دهد، یکی از راههای مبارزه با
ترویریسم برد اشتن این نتاب از چهرهٔ رژیم است.
نباید به این اتفاق کنیم که رژیم به انداده باشیم
رسوا شده است، بلکه باید مواره به بیاد اشتن باشیم
که رژیم داشتار حوال طرح توظیه های گوناگون علیه
نیروهای متفرق است. باید این سیاست ترویریستی
را داشما افشا ساخت و راههای مقابله با آن را
جستجو کرد.

در دور دست میهم تاریخ
در پیش کوهه قصه و اسطوره
آهنتکری پلنگ شد از پیکر کوره اش
پیشود پیشندش را
آن راهی چوب بست و

به دستش گرفت و
رفت.

بامدمی که از جی اش افتادند
از کوچه ها گذشت
تاریخ را سر اسر پیمود
هم کوره راهها
هم پرتکاهها
هم دره های بخزدهٔ پر پرف
هم دشتهای تشندهٔ تپ کرده
کاهی دوان و کاهی
لتکان گذشت و رفت.

باید راههای مبارزه . . .

اما، ترویریسم تنها خاص ایالات متحده

نیست، بلکه دولتهای دیگری را هم، از جمله در
منطقهٔ ما، در بر می گیرد. برای آن که راه دوری
نرفته باشیم به ایران خودمان مراجعه می کنیم. با
آن که خامنه‌ای در دیدار دو شنبه ۱۹ تیرماه خود با
کسانی که برای "بیعت" با او آمده بودند ادعای کرد
که خرابکاری و ترویریسم دور از شان "جمهوری
اسلامی" و "تهمت ناشایست" است، در عمل اثبات

شده که ترویریسم جزء جدایی ناپایدار سیاست آن و

یکی از راههای است که برای رسیدن به مقاصد خود
در داخل و خارج کشور در پیش گرفته است. این

ترویریسم، چه آنجا که شکن کشتن اشخاص و

گروگان گیری به خود می گیرد و چه آنجا که به

صورت دخالت آشکار در امور دیگر کشورها

خودنمایی می کند، مثل دخالت در امور داخلی
لبنان و افغانستان و ترکیه و غیره به شیوه های

گوناگون محکوم است. رژیمی که ترویریسم در ج. ا.

را "تهمت" قلمداد می کند، چه پاسخی در برای

قتل عام زندگانیان سیاسی به فرمان شخصی خمینی
دارد؟ آیا کشتن هزاران نفر در مدتی کوتاه به

اتهامهای واعی را جز ترویر آشکار دکر اندیشان چه

می توان نامید؟ ایجاد جو اختناق در جامعه، حضور

دائمی گشتها و عناصر اطلاعاتی مسلح در سطح جامعه و

در مرکز گوناگون کار و زندگی و نظرات بر

کوچکترین حرکت و تعقیب و مراقبت و دستگیری

اشخاص به جرم اندیشیدن چه معنایی جز ترویریسم
دارد؟ رژیمی که ترویریسم را انکار می کند به چه

دلیل هر روز در داخل و خارج کشور قصد جان

مخالفان خود را می کند؟ به چه دلیل برای سریک

نویسنده و کسانی که در انتشار و فروش کتاب وی

شرکت داشته اند جایزهٔ چند میلیون دلاری تعیین

می کند؟ به چه دلیل شکار انسانهای در لبنان به وسیلهٔ

عواجم خود را واسطهٔ معامله با کشورهای

امپریالیستی قرار می دهد؟ مگرنه آن است که

کشورهایی چون فرانسه، بریتانیا، آلمان فریبی و

ایالات متحدهٔ آمریکا برای نجات اتباع خود داشتند

دست به دامان ج. ا. می شوند و سران رژیم آزادی

زندگی کارگران شاغل
از زبان خودشان

* کارگر تمیز کار هستم. حقوق در ماه ۲۸۰۰ تومان است. دارای همسر و چهار فرزند. منزله شخصی است. سه سال سبقهٔ کار دارم. برای امارات معاشر و چیر ان کسری هزینهٔ زندگی در ساعت بعد از کار دستگوشی می کنم. زندگی سخت است. لعنت پر مسبب این زندگی لعنتی.

* کارگر ذوب فلز هستم. در ماه ۵ تاء هزار تومان حقوق می گیرم. سه سال پیش بدرم فوت کرد. متاهلمن. زندگی سخت شده. برای گذران زندگی در ساعت استراحت خرید و فروش (دلالی) می کنم.

* کارگر مکانیکم. ۱۵ سال سن دارم. ۶ هزار تومان حقوق می گیرم. ۴ سال پیش بدرم فوت کرد. سپرست مادر و سه خواهرم هستم. مشکلات زندگی را تویش مانده ایم. فعلاً که زندگی ایم.

* کارگر مکانیکم. زن و دو فرزند دارم. ماهی ۸۰۰ تومان حقوق می گیرم. خانه ام قلعهٔ حسنخان و کارم تهران نو است. مثل بقیهٔ مردم با فلاکت زندگی می کنم.

* کارگر خدمتکارم. ۵ سرuale دارم. ۶ تا ۷ هزار تومان حقوق می گیرم. به علت کفاف ندادن حقوق بستخنی زندگی می کنم. مثل دیگران از زندگی راضی نیستم ولی چه کنیم؟

* کار آموز تراشکاری هستم. قبل از زندگی بودم روزی ۵۰ تومان حقوق می گیرم. از زندگی راضی نیستم.

* مسئول فتوکیه هستم. ماهی ۴ هزار تومان حقوق می گیرم. شبانه درس می خوانم. از زندگی راضی نیستم.

* کار دفتری می کنم. ماهی ۲۵۰۰ تومان حقوق می گیرم. زندگی بستخنی می گذرد. بعد از ظهرها کارهای متفقه انجام می دهم. تازه از زداج کرده ام. دربارهٔ مشکلات باید بگوییم: ای بابا، حیف از زندگی، تف بر این زندگی ای، که برای ما درست کرده اند.

* کارگر قالب گیری هستم. ۵ سال سابقهٔ کار دارم. حقوق تقریباً ۴ هزار تومان است. خانه از خودم دارم. دارای ۲ فرزند هستم. با مشکلات بالاخره زندگی می کنم.

* کارگر تمیز کار هستم. ۴ سال سابقهٔ کار را ۵ هزار تومان حقوق می گیرم. زن و چهار فرزند دارم. مشکلات زندگی را بافرض کردن از صندوق های فرض الحسنة و صندوق وام کارخانه می گذرانم. خلاصه سرتان را در دنیاورم، همیشه ۵۰ هزار تومان بدھکارم.

در روزنامه های مجاز

خواب دیدی خبر باشد

خانمه ای، "شایسته نیست که کسی بر این اهرار دوستی و علاقه خود به اینجانب، شخص دیگری را مورد اهانت با تهاتم قرار دهد و بنا نیست دادن و نزدیکتر خواندن خود به اینجانب، دیگران را کنار نهادند. این سرفهای شایستهٔ فضای سرشار از صفاتی کنونی نیست".

("اطلاعات" ۱ تیر ۶۸)

باید راههای

مبازه با ترویریسم را یافت

ترویریسم که امنیت فردی و اجتماعی را به خطر می‌اندازد با هر شکلی و به هر بیانه‌ای نفرت انگیز و ضرورت مبارزه با آن پیش از همیشه مطرح است. دولتهایی که برای دستیابی به هدفهای معین از جبهه "ترور سود می‌جویند پیش از هر امر خصلت ضد انسان خود را نشان می‌دهند، هرچند که این هدفها را در لفاظه "بشردوستی" بپیچند. مثلًا اکنون که دولت مردمی افغانستان، با وجود همه دشواریها از خود دفاع می‌کند، امیریالیسم آمریکا زیر پوشش دفاع از "مردم" افغانستان پیش از همیشه ددمنشی اش را نشان می‌دهد. جیمز بیکر، وزیر امور خارجه دولت بوش پیاسات رسی ایالات متحده، آمریکا را چنین اعلام می‌کند، تا وقتی که دولت نجیب الله بر سر کار باشد راه حل صلح آمیزی برای افغانستان نمی‌تواند وجود داشته باشد. او از ضرورت انتقال و نه تقسیم قدرت در افغانستان سخن می‌گوید. کمکهای گستردۀ نظامی و اقتصادی به ضد انقلاب افغانستان و دخالت مستقیم در امور داخلی این کشور توسط نیروهای پاکستان و عربستان سعودی و غیره بازنمای سیاست ترویریستی ایالات متحده در افغانستان است. نتیجه، این سیاست ترویریستی کشتر داشی مردم محروم و زحمتکش افغانستان است که روی آرامش نمی‌بینند و هر روز طعمه "موشک" با قربانی توطئه‌های دیگر می‌شوند. ترویریسم ایالات متحده تنها محدود به افغانستان نمی‌شود، بلکه در نقاط مختلف دنیا جزوی از سیاست رسمی آن است. از جمله در سائلی که در لبنان می‌گذرد رهای ایالات متحده آمریکا را به روشنی می‌توان دید.

بنیه در ص ۷

کمکهای مالی (رسیده)

هزاده این حزب در زاین	۱۰۰۰ دلار
چند تنس از اعضای حزب	۶ مارک

فعالانه متحققه سازند.
ما از رئیس چهارمی خلق ایران
می‌خواهیم موضوع کمیته مرکزی را در تشکیل دولت
جدید در نظر بگیرد.

کمیته مرکزی حزب متحده کارگری ایران

در شو، ۱۹ اوت ۱۹۸۹

موضع کمیته مرکزی حزب متحده کارگری ایران

پیرامون تشکیل دولت جدید و وضعیت سیاسی روز

حزب متحده کارگری ایران همچنان روح تداوم همکاری در ائتلاف پانایندگان حزب متحده، دهقانی و حزب دموکراتیک، با پایانی می‌گذرد در هر یک آنها توافق شده بود مختل گردیده است. در نتیجه تداوم بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی، یاس و تلخکامی مردم، افزایش یافته است. دگرگار کارخانه‌ها به محل اعتصابهای سیاسی - اقتصادی مهدل شده است.

باشد در تشکیل دولت مورد اعتماد واقعی ایران تمیز نیل به تناهم اجتماعی در قبول هارثاشی از رفرم است، ارج می‌گارد. همچنان که از نیروهای عده "سیاسی کشور" نه حزب متحده کارگری ایران و نه "مهمتگی" قادر نیست به تنهایی و یا به همراه، یکی علیه دیگری ها خطرات موافق شود و کشور را ازورشکنستی خارج سازد. همکاری مشترک میان این دو نیرو، برای از پیش اوریهای متفاصل، می‌تواند به یک واقعیت کمیته نوین در تاریخ ایران تبدیل شود.

حضور حزب متحده کارگری ایران در دولت چدیدهای می‌گیرد. هدین ترتیب، هزار اردن این راه نمی‌توانند از زیر پا مسئولیت بپذیرند و وضعیت موجود شان خالی کنند.

کمیته مرکزی خاطر نشان می‌سازد که رهبران

اوپاگ در ایران بگویند "خطرانگی حاد شده است. ساختار سیاسی ایستی برای انجام دگرگونیهای تدریجی در نظام، که در گفتگوهای میزگرد در هر یک آنها توافق شده بود مختل گردیده است. در نتیجه تداوم بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی، یاس و تلخکامی مردم، افزایش یافته است. دگرگار کارخانه‌ها به محل اعتسابهای سیاسی - اقتصادی مهدل شده است.

باشد در تشکیل دولت مورد اعتماد واقعی ایران تمیز نیل به تناهم اجتماعی در قبول هارثاشی از رفرم است، ارج می‌گارد. همچنان که از نیروهای عده "سیاسی کشور" نه حزب متحده کارگری ایران و نه "مهمتگی" قادر نیست به تنهایی و یا به همراه، یکی علیه دیگری ها خطرات موافق شود و کشور را ازورشکنستی خارج سازد. همکاری مشترک میان این دو نیرو، برای از پیش اوریهای متفاصل، می‌تواند به یک واقعیت کمیته نوین در تاریخ ایران تبدیل شود.

حضور حزب متحده کارگری ایران در دولت چدیدهای می‌گیرد. هدین ترتیب، هزار اردن این راه نمی‌توانند از زیر پا مسئولیت بپذیرند و وضعیت موجود شان خالی کنند.

کمیته مرکزی خاطر نشان می‌سازد که رهبران فراکسیون شایندگان "حزب متحده دهقانی" و "حزب دموکراتیک"، با موافقت با تشکیل دولتی انتلافی بدون شرکت "حزب متحده کارگری ایران" توافقی خارج ساختار پارلمان را بهم زندند. تقسیم کرسی‌های میان حزب متحده کارگری ایران، حزب متحده دهقانی و حزب دموکراتیک و نیز سازمان کاتولیک ها و مسیحیان چهاری های تدریجی، هزار اردن استوار بود که این اتحاد نه خصلت موسی دارد و نه می‌تواند موضوع یک بازی سیاسی قرار گیرد. زمانی که این توافق پارهای تأثیر داشته از سوی کمیسیون همکاری، پاشکست روپرداز شود، مسئولیت تاریخی برای فرست ازدست رفته، که این بینیان استوار بود و نه می‌تواند موضوع اقتصادی چدید، پنهان "مهمتگی" این از هم پاشاند آن است.

گام گذاشتن در راه مقابله با حزب متحده کارگری ایران نمی‌تواند به منافع کشور خدمت کند. حزب متحده کارگری ایران که امر سالیان در از همکاری ائتلاف را نقادانه ارزیابی می‌کند، از اوایل سالهای هشتاد به نیروی محکمه دادن حیثیت و نقش فرازینده به حزب متحده دهقانی و حزب دموکراتیک در روند اعمال قدرت دولتی و نیز به سختگویی لزوم حضور نیرومند آنان در پارلمان کنفرنی مهدل شده بود. ابتکارات هر شاند ای هر دو حزب نقش مهمی در سیاست دولت گذاشته داشته است. مثلث تطهیق وضع صنایع مواد غذائی با وضعیت بازار که حزب متحده دهقانی از مدتها پیش بیکنیر اند به آن همت گماشته بود، یک نشانه آن است.

کمیته مرکزی اصول اساسی نظام اجتماعی ایران و نیز نقش آن در چالعه کشورهای سوسیالیستی فرا می‌خواند. شرط ما در پیمان و روش از چندین دهه پیش صامن امنیت می‌است.

کمیته مرکزی از سوی همکاری، پاشکست موظف می‌سازد هر گونه کوششی برای دستاوردهای زحمتکشان و نیز حمله "غیرعادلانه" به پایه به کارهای مدیران دولتی و اقتصادی، پوییزه در وزارت دفاع و کشور با قدرت مقابله کنند.

کمیته مرکزی به ابتکارات کلوب نمایندگان حزب متحده کارگری ایران در راستای تدوین طرح برای دولت چدید ارج می‌گذارد و آنان را فرا می‌خواند مواضع موجود را در پارلمان (سیم)

در از همکاری ائتلاف را نقادانه ارزیابی می‌کند، از اوایل سالهای هشتاد به نیروی محکمه دادن حیثیت و نقش فرازینده به حزب متحده دهقانی و حزب دموکراتیک در روند اعمال قدرت دولتی و نیز به سختگویی لزوم حضور نیرومند آنان در پارلمان کنفرنی مهدل شده بود. ابتکارات هر شاند ای هر دو حزب نقش مهمی در سیاست دولت گذاشته داشته است. مثلث تطهیق وضع صنایع مواد غذائی با وضعیت بازار که حزب متحده دهقانی از مدتها پیش بیکنیر اند به آن همت گماشته بود، یک نشانه آن است.

زنده باد آزادی و صلح، سرنگون باد رژیم "ولایت فقیه"